

یلدا

م. روح الامینی

صبح صادق ندمد، تا شب یلدا نرود
(سعدی)

دی ماه، در ایران کهن، چهار جشن را در بر داشت : نخستین روز ماه دی - که موضوع این جستار است - و روزهای هشتم، پانزدهم و بیست و سوم سه روزی که نام ماه و نام روز یکی بود.

امروز، از این چهار جشن تنها شب نخستین روز دی ماه، یا شب یلدا، را جشن می گیرند. یعنی آخرین شب پائیز، نخستین شب زمستان، پایان قوس، آغاز جدی و درازترین شب سال.

واژه یلدا سریانی و به معنی ولادت است. ولادت خورشید (مهر، میترا) و رومیان آن را ناتالیس انویکتوس یعنی روز تولد (مهر) شکست ناپذیر نامند. بنابر باور پیشینیان، در پایان این شب دراز، که اهریمنی و نامبارکش می دانستند (و می دانند)، تاریکی شکست می خورد، روشنایی پیروز و خورشید زاده می شود و روزها رو به بلندی می نهد، و ... نام این روز میلاد اکبر است، مقصود از آن انقلاب شتوی است. گویند در این روز نور از حد نقصان به حد زیادت خارج می شود، و آدمیان نشو و نما آغاز می کنند و پری ها به ذبول و فنا روی می آورند.

زایش خورشید و آغاز دی را، آیین ها و فرهنگ های بسیاری از سرزمین های کهن آغاز سال قرار دادند، به شگون روزی که خورشید از چنگ شب های اهریمنی نجات می یافت و روزی مقدس برای مهر پرستان بود. در سده چهارم میلادی، بر اثر اشتباهی که در محاسبه کیبسه ها رخ داد، روز ۲۵ دسامبر را (به جای روز ۲۱ دسامبر) روز تولد میترا دانسته و تولد عیسی مسیح را نیز در این آغاز سال قرار دادند. اشاره سنایی نیز به این تقارن است :

به صاحب دولتی پیوند، اگر نامی همی جویی که از پیوند با عیسی چنان معروف شد یلدا

بنا بر این نویل اروپایی (سالروز تولد مسیح) همان شب یلدا است، و نویل واقعی، یعنی انقلاب شتوی در سی آذر برابر با بیست و یکم دسامبر است از مقاله ها و پژوهشهای فراوانی که درباره یلدا شده، در لغت نامه دهخدا، چکیده ای از برهان قاطع، اندراج، حواشی علامه قزوینی بر آثار الباقیه شرح پور داود بر یشت ها، فرهنگ فارسی دکتر معین و یادداشت های مرحوم دهخدا

آورده، که نقل آن بی مناسبت نخواهد بود: یلدا لغت سریانی است به معنی میلاد عربی، و چون شب یلدا را با میلاد مسیح تطبیق می کرده اند، از این رو، بدین نام نامیده اند. باید توجه داشت که جشن میلاد مسیح که در ۲۵ دسامبر تثبیت شده، طبق تحقیق، در اصل جشن ظهور میترا بوده که مسیحیان در قرن چهارم میلادی آن را روز تولد مسیح قرار دادند. یلدا اول زمستان و شب آخر پاییز است که درازترین شب های سال است. و در آن شب، یا نزدیک بدان، آفتاب به برج جدی تحویل می کند و قدما آن را سخت شوم و نامبارک می انگاشتند. در بیشتر نقاط ایران در این شب مراسمی انجام می شود. شاعران زلف یار و همچنین روز هجران را از حیث سیاهی و درازی بدان تشبیه کنند. و از شعرهای برخی از شاعران مانند سنائی، معزی، خاقانی و سیف افرنگی، رابطه بین مسیح و یلدا ادراک می شود. یلدا برابر با شب اول جدی و شب هفتم دی ماه جلالی و شب بیست و یکم دسامبر فرانسوی است.

انگیزه های پایدار ماندن این جشن را می توان، از جمله بدین گونه برشمرد: ۱- شب زایش خورشید (مهر) است، از باورهای دینی کهن ۲- بلندترین شب سال، یعنی طولانی ترین تاریکی است، نشانه اهریمنی شی شوم و ناخوشایند که از فردا به کوتاهی می گراید. ۳- پایان برداشت محصول صیفی و آغاز فصل استراحت در جامعه کشاورزی است. همه قشرها و گروههایی که از فرآورده های کشاورزی و تلاش کشاورزان بهره مندند، در جشن نخستین روز دی ماه و برداشت محصول، در شگون و شادی کشاورزان شرکت می کنند. و ... در این روز پادشاه با دهقانان و برزگران مجالست می کرد و در یک سفره با ایشان غذا می خورد، و می گفت (...). قوام دنیا به کارهایی است که به دست شما می شود.

آیین و جشن شب یلدا و یا شب چله بزرگ، تا به امروز در تمامی سرزمین کهنسال ایران و در بین همه قشرها و خانواده ها برگزار می شود. یلدا را همچنین می توان جشن و گردهمایی خانوادگی دانست. در شب یلدا خویشاوندان نزدیک در خانه بزرگ خانواده گرد می آیند. به بیانی دیگر در سرمای آغازین زمستان، دور کرسی نشستن و تا نیمه شب میوه و آجیل و غذا خوردن و به فال حافظ گوش کردن از ویژگی های شب یلدا است.

جشن خانوادگی: برگزاری مراسم یلدا، اگر بتوان نام جشن بر آن نهاد، آیینی خانوادگی است، و گردهمایی ها به خویشاوندان و دوستان نزدیک محدود می شود. در کتاب ها و سندهای تاریخی به برگزاری مراسم شب یلدا اشاره ای نشده است. ابوریحان بیرونی از جشن روز اول دی ماه، که آن را خرم روز نامند، در دستگاه حکومتی و پادشاهی یاد می کند و نامی از شب یلدا در میان نیست، که می توان به دلیل خانوادگی و همگانی و غیر رسمی بودن آن دانست. کنار کرسی: بی گمان برای جوانان نسل امروز کرسی گذاشتن، کنار یا دور کرسی نشستن نیاز به

توضیح و توصیف دارد. ابزارهای گرمای تکنولوژی جدید - و نیز عامل های دیگر - کرسی و فرهنگ مربوط به آن را به دست فراموشی سپرده است. در زمستانها، استفاده از کرسی برای گرم کردن خانه و دور کرسی نشینی معمولا از شب یلدا، نخستین شب زمستان، شروع می شد و تا پایان چله بزرگ - و در برخی خانواده ها تا پایان چله کوچک - ادامه داشت. اعضای خانواده از کوچک و بزرگ، دور کرسی، که روی آن را میوه و آجیل پوشانده بود، می نشستند.

تا می توان ز فرش چو کرسی جدا مباش آتش به فرق ریز و مکن اختیار برف (میرالهی همدانی).

خوراک : در همه جشن ها و آیین ها، در جامعه های ابتدایی یا متمدن، خوردن و آشامیدن بخشی از مشغولیت ها و سرگرمی های جمع را تشکیل می دهد. برای شب یلدا، خوراک ویژه ای نمی شناسم، و تهیه شام بستگی به وضع اقتصادی و روند تغذیه خانواده دارد. خوردنی های ویژه شب یلدا میوه های فصل تابستان چون خربزه، هندوانه، انگور، انار، سیب، خیار، به و مانند آن است. میوه هایی که می بایستی در این شب تمامی آنها بجز سیب و به خورده شود و چیزی برای فردا، یعنی فردای زمستان باقی نماند. میوه هایی را که شب یلدا بر آن می گذشت نمی خوردند. به یاد دارم، تا سال ۱۳۲۳ که در کوهبنان (از بخش های کرمان) بودم، در خانه روستایی ما، خربزه و هندوانه و انار را در انبار گندم می گذاشتند و انگور را یا همچنان که بر درخت بود، در کیسه ها می کردند و یا در جایی خنک به بند می آویختند. و در شب یلدا تمامی آنها می بایستی خورده شود. آجیل و شب-چره که شامل دانه هایی چون گندم و نخود برشته، تخم هندوانه و کدو، بادام، پسته، فندق، کشمش، انجیر و توت خشک است، در بسیاری از شب نشینی ها، مهمانی ها و گردش ها فراموش نمی شد. ولی در شب یلدا می بایست (و می باید) بر سر سفره باشد. خوردنی های شب یلدا، در واقع، میوه و آجیل است نه غذا. برخی از خانواده ها در شب یلدا، پس از خوردن شام، برای شب نشینی شب یلدا به خانه خویشاوند بزرگتر می روند.

فال حافظ : یکی از رسم های شب یلدا، فال حافظ گرفتن است. اگر رسم ها و آیین های دیگر یلدا را میراثی از فرهنگ چند هزار ساله بدانیم (که بایستی چنین باشد)، ولی فال حافظ گرفتن در شب یلدا - و نیز در تیرما سیزه شو (جشن تیرگان در مازندران) - در سده های اخیر به رسم های شب یلدا افزوده شده است. فال حافظ گرفتن، در شب نشینی های زمستان و مناسبت هایی چون چهارشنبه آخر ماه صفر، چهارشنبه سوری، شب سیزده صفر، بعد از ظهر سیزده بدر، تیرما سیزه شو (جشن تیرگان در مازندران) نیز از باورهای همگانی است ... و در شب یلدا گویا بیشتر وصف الحال است. ممکن است در شب یلدا، برای فال حافظ گرفتن، به خان ملا و باسواد محل رفت : در روستای کاورد دودانگه ساری، خواندن کتاب حافظ چندان رونقی ندارد. تنها در سال یک بار، آن هم در شب یلدا از دیوان حافظ فال می گیریم. برای فال گرفتن غروب شب یلدا

همسایگان و نزدیکان، با آجیل و میوه به خانه ملای ده می رویم، که فال ما را گرفته و ببیند چه سرگذشتی درباره ما نوشته است.

همه رسم ها و آیین های شب یلدا را (بجز دور کرسی نشستن، که به اصطلاح نتوانسته است حرف خود را بر کرسی بنشاند) تا آنجا که پژوهش ها اجازه می دهد، در همه شهرها و آبادی ها سراغ داریم. پژوهش و مطالعه کمی درباره برگزاری آیین ها و رسم هایی که همگانی است و جنبه خانوادگی دارد آسان نیست، و تنها می توان نمونه هایی انگشت شمار را مشاهده و مطالعه کرد. امروز نمود برگزاری آیین و رسم شب یلدا را میتوان در روزهای بیست و نهم و سی ام آذرماه، در بازارها و فروشگاه های میوه و آجیل فروشی ها دید. این خریده ها تا پاسی از شب یلدا ادامه دارد. در آخرین لحظه ها نیز کسانی را می بینیم که از سر کار برگشته و میوه هایی چون خربزه و هندوانه و انار را که به آسانی نمی توان در بخچال نگهداری کرد، می خرند. باشد که این جشن و آیین، که در حد جشن نوروز و به روایتی، خود جشن نوروز و سال نو بوده، با وجود اشاعه و دگرگونی های فنی و صنعتی امروز، به عنوان گوشه ای از نمودهای فرهنگی و قومی و تاریخی این مرز و بوم، به دست فراموشی سپرده نشود.

همه شب های غم آبستن روز طرب است

یوسف روز ز چاه شب یلدا آید